

مفهوم ماهیت شهر و معرفی شاخصها و معیارهای سنجش آن در

دوران معاصر

دکتر نیما جهان بین**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۳/۰۳

چکیده

از آن جا که هر گونه تصمیم‌سازی درباره‌ی وضعیت، مستلزم شناخت درست آن وضعیت است و عمیق‌ترین لایه‌ی شناخت هر پدیده، شناخت وجود آن پدیده است، این مقاله با توجه به بحران‌هایی که در حال حاضر گریبانگیر شهر در ایران معاصر است، تلاش می‌کند برای شناخت دقیق وضعیت شهر ایرانی تعریفی دقیق از ماهیت شهر مبتنی بر آگاهی هستی‌شناسیک^۱ از مبحث وجود ارایه نماید.

از این رو با استفاده از روش استدلالی و تحلیل محتوای متن بدنبال بهره‌گیری از متون فلسفه‌ی وجود خواهد بود و سپس با روش قیاسی به تعمیم تعریف‌های فلسفی بر مباحث شهرشناسیک و در نهایت با استفاده‌ی توأمان از همین روش و روش استدلالی به استخراج شاخص‌ها و معیارهای تعریف می‌پردازد و در پایان به یافته‌های زیر می‌رسد:

۱- مفهوم ماهیت شهر عینی معاصر را تعریف می‌کند. (مفهوم شهر ذهن و آرمان شهر را تعلیق می‌کند)

۲- شاخص‌ها و معیارهایی برای سنجش ماهیت شهر معاصر ارایه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

وجود، ماهیت، شهر، انسان، رابطه‌ی ابزاری

* دانش آموخته‌ی دوره‌ی دکترای شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
 ** این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکترای نگارنده با عنوان « سیر تحول ماهیت شهر در ایران معاصر، با تاکید بر شهر تهران » به راهنمایی دکتر حسن علی لقای می‌باشد. که در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۳۱ در دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات از آن دفاع شده است.
 Email: jahanbin.nima@gmail.com

مقدمه

به نظر می‌آید شهر امروز ایران در وضعیتی اسف‌انگیز به فضایی برای تکاپوی دسته‌جمعی شهروندان با هدف در فضای شهر نبودن تبدیل شده است. به بیان روشن‌تر شاید بتوان عنوان نمود که رابطه‌ی شهروند با فضای شهری جز در مسیر خطی از مبدا تا مقصد منقطع گردیده، زمان‌هایی که به ناگزیر در فضاهای شهری سپری می‌شود، همراه با تحمل دشواری‌های فراوان، بیش‌تر صرف آمد و شد می‌گردد و هدف نهایی انسان در چنین مکانی دانسته و نادانسته جز پناه گرفتن سر خویش نیست و بی‌تردید همین دلبستگی به احساس امنیت در فضاهای بسته، به معنای قهر شهروند با فضای شهری است که از نخستین ویژگی‌هایش باز بودن است.

ناگفته پیداست در چنین وضعیتی هر تلاش برای ساماندهی فضاهای شهری سر برنیاورده محکوم به شکست است. چرا که در غیاب اساسی‌ترین رکن شهر که انسان و پویایی اوست، اختلال مشبک فضایی روابط شهر ناگزیر و لاجرم چرخه‌ی تولید و مبادله به عنوان ضمانت تثبیت موقعیت منطقه‌ای و جهانی شهر، معیوب و بیمار است و این‌گونه حیات شهر در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد.

بی‌گمان از پیشنهادهای هر چند اولیه در مسیر تصمیم‌سازی گرفته تا اتخاذ و انجام تدابیر عملی برای رفع بحران پیش و بیش از هر چیز نیازمند تعریفی دقیق، درست و روشن از وضعیت است، چه همواره برون رفت از شرایط بحران مستلزم شناخت ابعاد بحران است. در این میان مقاله‌ی حاضر تلاشی است برای ارائه‌ی تعریفی از عمیق‌ترین لایه‌ی شناخت شهر که همانا «وجود شهر» است. پاسخ به این پرسش اساسی که «مفهوم وجود شهر چیست؟» بی‌گمان ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین گام در راه شناخت شهر محسوب می‌گردد زیرا گذشته از آن که هر گونه تعریفی از چیستی و چگونگی یک مساله سرانجام مفروض بر پاسخ به پرسش از وجود آن خواهد بود و تمامی علوم باید با یک مفهوم فرا علمی از موضوعات خویش آغاز شوند (کاکلمانس، ۱۳۱۰، ص ۲۲). مسایل درباره‌ی یک اسلوب از هستی (همچون راهکاری برای اصلاح شهر) فرع بر مسایل نسبت به وجود آن هستی‌ای (همچون وجود شهر) محسوب می‌شوند. از این رو مقاله می‌کوشد تا پاسخی برای اصلی‌ترین پرسش از شهر یعنی «ماهیت شهر» این بار بر اساس آگاهی وجود شناسیک ارائه کند چرا که بررسی سوابق امر نشان می‌دهد تا کنون درباره‌ی واژه‌ی ماهیت شهر هر تعبیر و ترجمان، به همان قدر از واقعیت شهر که موجود است بسنده کرده، به دیگر سخن، در نهایت تلقی واژه‌ی ماهیت چیزی جز شهر همچون محیطی پیرامونی که خویش را با تمام ارکان و اجزایش می‌نمایاند نبوده است و این تلقی موجود انگارانه، شاید تغافل‌ی عظیم از منظر وجود شناسانه محسوب شود و این مقاله در پی آن است. از این رو می‌توان اهداف مقاله را طی سرفصل‌های زیر خلاصه نمود:

هدف کلی

ارایه‌ی تعریفی دقیق از ماهیت شهر، همان‌گونه که در زمان معاصر عینیت دارد و نه در محدوده‌ی ذهنیت‌های گونه‌گون، بر مبنای آگاهی هستی شناسیک از معنای وجود.

هدف جزئی

استخراج شاخص‌ها و معیارهای این تعریف برای سنجش وضعیت ماهیت شهر عینی در زمان معاصر

هدف کاربردی

ایجاد بستری مناسب برای برون رفت از وضعیت موجود تا بر اساس شناخت درست و دقیق، گام‌های بعدی برداشته شود. همچنین پرسش‌ها و در نهایت فرضیات تحقیق را می‌توان ۱- امکان ارایه‌ی تعریف ماهیت شهر عینی در دوران معاصر و ۲- امکان استخراج شاخص‌ها و معیارهای قابل اندازه‌گیری این تعریف برای شناخت وضعیت ماهیت شهر معاصر، معرفی نمود. با این وصف مقاله روند زیر را برای رسیدن به اهداف خود طی می‌کند:

- به دنبال مفهوم دقیقی از ماهیت بر مبنی معنای وجود، به مباحث فلسفی مراجعه می‌کند.
- پس از استخراج تعریف مناسب تلاش می‌کند تا با انطباق یافته‌های فلسفی خود بر بازه‌ی مسایل شهرشناسیک تعریف روشنی از «ماهیت شهر عینی در دوران معاصر» به دست دهد.
- بر اساس یافته‌های خود به استخراج شاخص‌ها و معیارهایی قابل اندازه‌گیری برای سنجش وضعیت ماهیت شهر نایل آید.

برای طی روند یاد شده، مقاله از روش‌های زیر بهره می‌جوید:

روش تحقیق

با توجه به تلاش مقاله برای ارایه‌ی تعریفی جدید در حوزه‌ی دانش شهرسازی و ارایه‌ی شاخص‌ها و معیارهای تعریف و در نتیجه نظری بودن نوع تحقیق در حیطه‌ی تحقیقات بنیادی، روش‌های زیر به کار گرفته می‌شود:

- برای یافتن تعریف از مباحث فلسفی از روش استدلالی و تحلیل محتوای متن بهره خواهد جست .
- برای انطباق مباحث فلسفی بر حیطه‌ی مباحث شهر شناسیک از روش قیاسی استفاده شده و از همین روش و نیز روش استدلالی برای استخراج شاخص‌ها و معیارهای تعریف بهره می‌جوید.

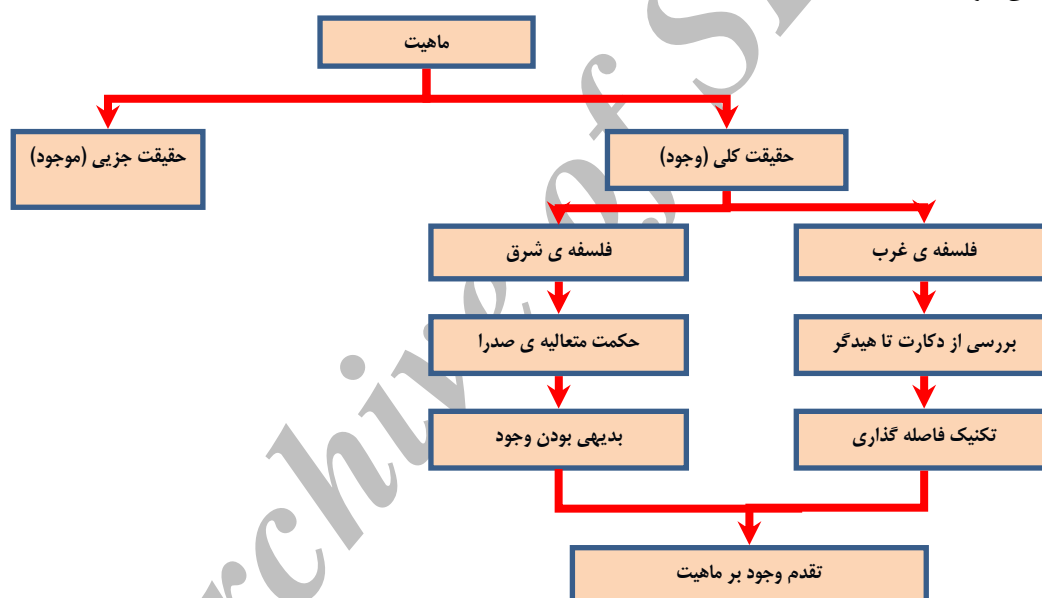
پیشینه‌ی تحقیق

در بررسی مباحث گونه‌گون اگرچه تعریفی از ماهیت شهر بر اساس تلقی وجودی آن یافت نشد و وجه نوآورانه‌ی مقاله نیز همین نکته محسوب می‌گردد، اما منابعی که با توجه به بخشهایی از منظر این مقاله، مبنای استفاده‌ی نگارنده قرار گرفتند به شرح زیر می‌باشند:

- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۳، «شهرسازی، تخیلات و واقعیات»، دانشگاه تهران
- خاتمی، محمود، ۱۳۷۹، «جهان در اندیشه‌ی هیدگر»، موسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، تهران
- شیروانی، محمد جواد، ۱۳۸۵، «ترجمه و شرح بدایه الحکمه»، انتشارات دار الفکر، تهران
- کاکلمانس جوزف، جی، ۱۳۸۰، دکتر موسی دیباج، «مارتین هیدگر»، نشر حکمت، تهران
- Lynch, Kevin, 1991, " *City Sense And City Design* ", TheMIT Press
- Niles, Malcom, 1991, " *The City Cultures Reader* ", Routledge
- Rakodi, Carole, " 2001, *Urban Live Hoods* ", Earthscan

اکنون و با توجه به آن چه رفت به تبیین چارچوب نظری مقاله و استنتاج نتایج مباحث می‌پردازیم:

بررسی واژه‌ی ماهیت و پی‌گیری سوابق تاریخی استفاده از این واژه در متون گونه‌گون فلسفی و تاریخی نشان می‌دهد صاحبان قلم در این دیار، این واژه را در هر دو مفهوم حقیقت کلی و حقیقت جزئی به کار گرفته‌اند. به دیگر سخن، ماهیت هم به معنای وجود و هم به معنای موجود کاربرد داشته است (دره‌التاج، ۱۳۶۶، ص ۱۰). اما آن چه مقاله از آغاز در صدد آن است، بررسی مفهوم وجود شهر و در نتیجه تعلیق معنای موجودیتی ماهیت است. با جستجو در متون فلسفی غرب و شرق برای یافتن معنای وجود مشخص گردید که در فلسفه‌ی مشرق زمین که اوج مباحث وجود شناختی‌اش در حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا تجلی می‌کند، به دلیل بدیهی دانستن این مفهوم با ذکر ادله‌ی خاص، استخراج تعریف امکان پذیر نشد (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). اما در فلسفه‌ی غرب و پس از طی گام‌هایی که از تفکر دکارت با تفکیک پدیدار از شیء فی نفسه آغاز می‌شود و در گام‌های بعد با حذف شیء فی نفسه، تلفیق جهان پدیداری و در نهایت ظهور پدیدار شناسی هوسرل ادامه می‌یابد و در تفکر مارتین هایدگر به اوج می‌رسد، تلقی و تعبیری به چشم می‌خورد که مبنای استفاده‌ی این مقاله قرار می‌گیرد (خاتمی، ۱۳۷۹، ص ۲۰). روند این بررسی در نمودار ۱ نشان داده می‌شود:

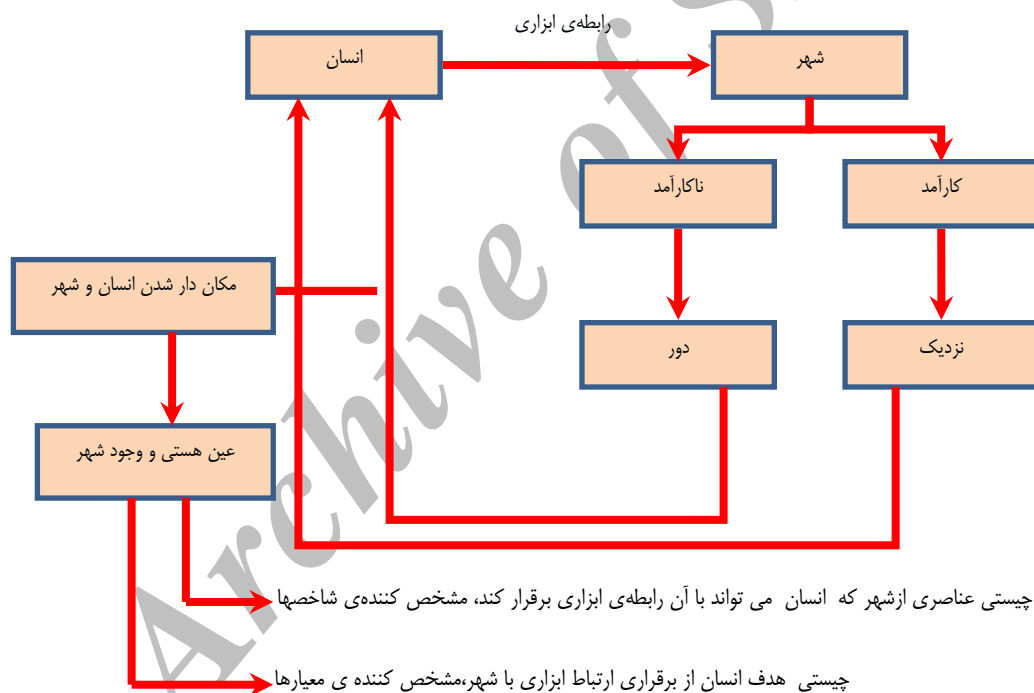


نمودار ۱- جستجوی مفهوم ماهیت

مأخذ: نگارنده

هایدگر در بیانی که یاد شد و نخستین تقریر وی از وجود و هستی تلقی می‌گردد با محور و مدار قرار دادن انسان به عنوان شاهره کشف معنای وجود، آن هم نه با پایه گذاری هیچ گونه فرض هستی شناسانه، بلکه تنها به دلیل این که تنها موجودی است که می‌شناسیم و قادر است از هستی خویش پرسش کند، روشی را ارایه می‌دهد که به روش فاصله گذاری شهره است (همان، ص ۴۵). در این طریقه با تکیه بر این که هستی و وجود ما از نوع «**هستی- اندر**» است (یعنی هستی ما با در جهان بودن معنا می‌یابد و این نه چون کبریتی در جعبه، که همچون عضوی با شبکه‌ی پیچیده‌ای از روابط با دیگر اعضای شبکه است. و در جهان بودن ما عین وجود داشتن ماست) «**دازاین**» (تعبیر ویژه‌ی هایدگر از انسان)^۲ با هر پدیدار پیرامون خود ارتباط می‌گیرد. در این ارتباط که با هستی ابزاری پدیدار رخ می‌دهد، یعنی انسان به قصد استفاده کردن از آن پدیدار با آن رابطه برقرار می‌کند، چنان چه پدیدار را سودمند و کارآمد برای خویش تشخیص دهد آن را نزدیک به خود و اگر آن را مضر و نا کارآمد بباید دور از خود قرارش

می‌دهد. اما با این رفتار - اگرچه رابطه صرفاً ابزاری و از جمله نخستین روابط انسانی است - انسان هم خود و هم پدیدارهای دیگر را نسبت به خود صاحب مکان می‌کند و این مکان دار شدن عین هستی و وجود است چرا که همان طور که پیش تر اشاره شد هستی ما از نوع « هستی - اندر » است (کاکلمانس، ۱۳۸۰، ص ۳۷). به کار بردن این تقریر درباره‌ی شهر نیز می‌تواند معنای وجود شهر باشد. بدین تعبیر که انسان با شهر همچون هر پدیدار دیگر رابطه‌ی ابزاری برقرار می‌کند. اگر آن را سودمند یافت، نزدیک به خویش و اگر ناکارآمد و مضر دید، دور از خویش مکان یابی‌اش می‌کند و این مکان دار شدن شهر نسبت به انسان به معنای هستی یافتن و در وجود آمدن شهر است. اکنون و در پی دست یافتن به این تعریف باید بررسی نمود، چگونه شاخص‌ها و معیارهای تعریف حاصل می‌گردد تا بر اساس آن بتوان وضعیت ماهیت شهر را در زمان معاصر بررسی کرد. توجه به نمودار ۲ نشان می‌دهد، برای روشن شدن شاخص‌ها باید معین نمود در برقراری رابطه‌ی ابزاری با شهر، انسان با چه ارکان و اجزایی از شهر رابطه برقرار می‌کند. به دیگر سخن، برقراری رابطه‌ی ابزاری اساساً با چه عناصری از عناصر تشکیل دهنده‌ی شهر مقصور است. این امر شاخص‌های تعریف را روشن می‌سازد. پاسخ به این سوال که اصولاً انسان از برقراری رابطه‌ی ابزاری با ارکان شهر به دنبال چه هدفی است و کدام یک از نیازهای خود را می‌خواهد برآورده سازد معیارهای تعریف را به دست می‌دهد.



مأخذ: نگارنده

نمودار ۲- شیوه‌ی فاصله گذاری هیدر

تدقیق در روند یاد شده که در نمودار ۲ به روشنی نشان داده شده است مشخص می‌سازد که ادامه‌ی کار نیازمند بررسی موارد

زیر است:

- تعاریف گونه‌گون شهر مورد کند و کاو قرار گیرد تا عناصر اصلی سازنده‌ی شهر و به دیگر سخن عرصه‌هایی از شهر که قابلیت برقراری ارتباط ابزاری انسان با آنها وجود دارد معین شوند.

- ارتباط ابزاری معنا شود تا به عنوان یک صافی عمل نماید. یعنی آن بخش از عناصر شهر که قابلیت برقراری این نوع ارتباط با آنها وجود ندارد کنار گذارده شوند و بقیه به عنوان شاخصهای تعریف به کار آیند.
- با تعریف ارتباط ابزاری هدف انسان از برقراری این نوع ارتباط با هر عرصه از شهر مشخص شود تا نتیجه دلخواه از برقراری رابطه‌ی ابزاری با شهر به عنوان معیار معرفی گردد. حال به طی این گام‌ها می‌پردازیم:

بررسی تعاریف گونه گون شهر

از مطالعه‌ی منابع مختلف تمامی تعاریف موجود درباره‌ی شهر و عناصر ماهوی آن ذیل عناوین زیر قابل ارایه است:

- ۱- عددی ۲- تاریخی ۳- حقوقی ۴- جغرافیایی ۵- در برابر روستا^۳ ۶- انسان مدار^۴

از بررسی محتوای این تعاریف که هر یک از منظری شهر را مورد مذاقه قرار داده است، چنین به نظر می‌رسد که اجزای شکل دهنده و مداخله کننده در دوام و قوام شهر به ترتیب زیر می‌باشند:

- ۱- سرزمین به عنوان بستر تغذیه کننده و تغذیه شونده از شهر
- ۲- انسان به عنوان عامل پویا و عنصری که شهر از طریق آن می‌اندیشد و می‌بالد.
- ۳- تولید که در حقیقت پی آمد فعالیت عنصر دوم در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی خویش است.
- ۴- مبادله‌ی تولید که پی آمد عنصر سوم و ناشی از مازاد آن و در نتیجه فرا رفتن عرصه‌ی شهر از مرزهای جغرافیایی خویش و تثبیت آن در دو موقعیت جهانی و منطقه‌ای است.^۵

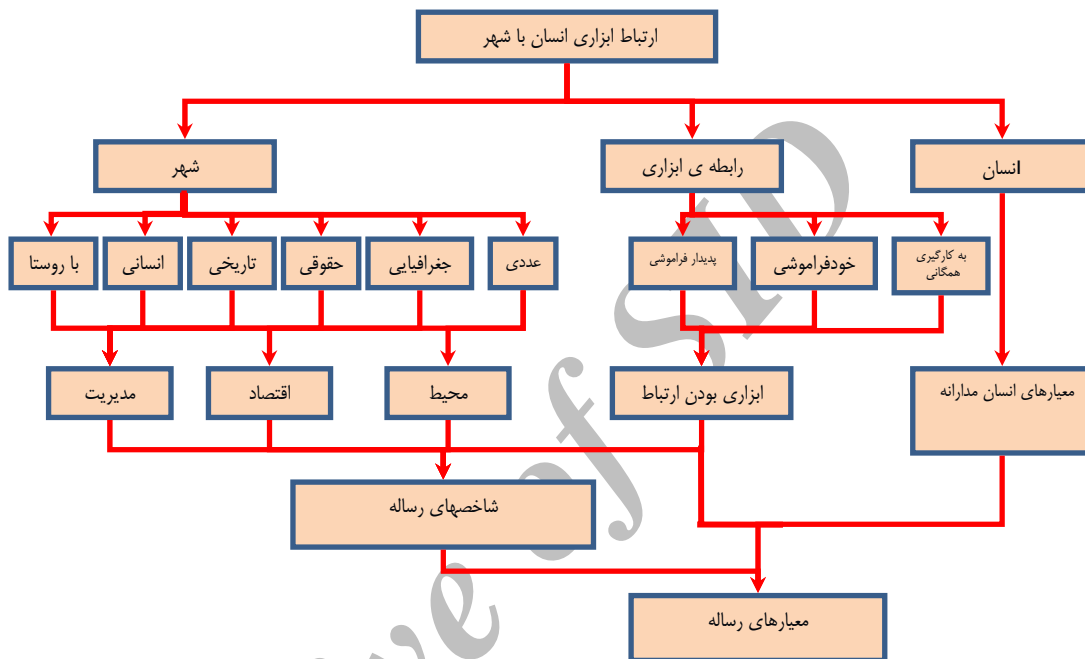
بر این اساس می‌توان اظهار نظر کرد تمامی عرصه‌هایی که دربرگیرنده‌ی عناصر شکل دهنده‌ی شهر است و ارتباط انسان از هر نوع که باشد در گستره‌ی آن‌ها صورت می‌پذیرد عبارتند از:

- محیط: به عنوان عرصه‌ای که تمامی عناصر مادی و غیر مادی سازنده‌ی شهر را در بر می‌گیرد.
- اقتصاد: به عنوان عرصه‌ای که تمامی فعالیت‌های تولیدی انسان در هر عرصه و روابط مربوط به تبادل محصول تولید انسانی را در بر می‌گیرد.
- مدیریت: به عنوان عرصه‌ای بسیار ویژه که بر تمام مشبک فضایی روابط حاکم بر شهر تاثیر گذار است. خواه انسان در ارتباط با این عرصه بخشی از بدنه‌اش باشد یا بیرون از آن.
- اکنون پس از شناخت عرصه‌هایی که ارتباط انسان با شهر، درون آن‌ها رخ می‌دهد باید ویژگی‌های نوع ارتباط مد نظر، یعنی ارتباط ابزاری را معین نمود تا از این رهگذار سرنندی برای استخراج شاخص‌ها و معیارهای هر عرصه به دست آید.

ویژگی های ارتباط ابزاری

ابزار ذاتا عبارت است از « چیزی برای » (ستمباخ، ۱۹۷۳، ص ۱۸۲) ، در حقیقت آن چه معنای وسیلگی است، همان « از برای » است (خاتمی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۲) . به سخنی روشن‌تر، ابزار به خودی خود بی اعتبار است و اعتبارش در هدفی است که برای رسیدن به آن از ابزار استفاده می‌گردد. هیدگر در طریقی که دازاین ابزار را به حساب می‌آورد ویژگی‌هایی را بر می‌شمرد که گزیده و نتیجه‌ی آن دو خصیصه‌ی مهم است: ۱- قابلیت به کارگیری ۲- همگانی بودن. یعنی ابزار نه به واسطه‌ی وجودش که به دلیل اثر

وجودش که استفاده شدن در راه رسیدن به هدفی است، اهمیت دارد و دیگر آن که همگان در این نوع برقراری رابطه به صرف رسیدن به هدف مشترک به آن بها می‌دهند و از آن بهره می‌جویند، به گونه‌ای که بهترین راه درک ابزار به کار بردن آن معرفی می‌شود (همان، ص ۶۵). و انسان در حین این به کارگیری هم خود و هم ابزار را فراموش می‌کند و تنها به هدف می‌اندیشد. حال، با آگاهی از ویژگی‌های نوع ارتباطی که انسان برای هستی‌مند ساختن شهر با آن برقرار می‌کند می‌توان به معرفی شاخص‌ها و معیارهای تعریف پرداخت: که نمودار ۳ روند یاد شده را به روشنی معین می‌سازد.



مأخذ: نگارنده

نمودار ۳- روند استخراج شاخص‌ها و معیارهای تعریف

معرفی شاخص‌های تعریف

برای دستیابی به تمامی شاخص‌هایی که در هر یک از عرصه‌های سه گانه‌ی محیط، اقتصاد و مدیریت ارایه گشته‌اند و در نهایت عبور دادن شان از سرنند برقراری ارتباط ابزاری (به این معنا که با کدام شاخص امکان برقراری رابطه‌ی ابزاری وجود دارد) دیدگاه‌های نظرواران متفاوت و فراوانی بررسی شد که از میان آن‌ها، دیدگاهی که تمام دیگر نگاه‌ها را در بر دارد معرفی می‌گردد:

۱- شاخص‌های محیط^۶

۱-۱. شبکه ی راه‌ها

۲-۱. کاربری‌ها

۳-۱. تاسیسات زیربنایی

۴-۱. فضا

۲- شاخص‌های اقتصادی^۷

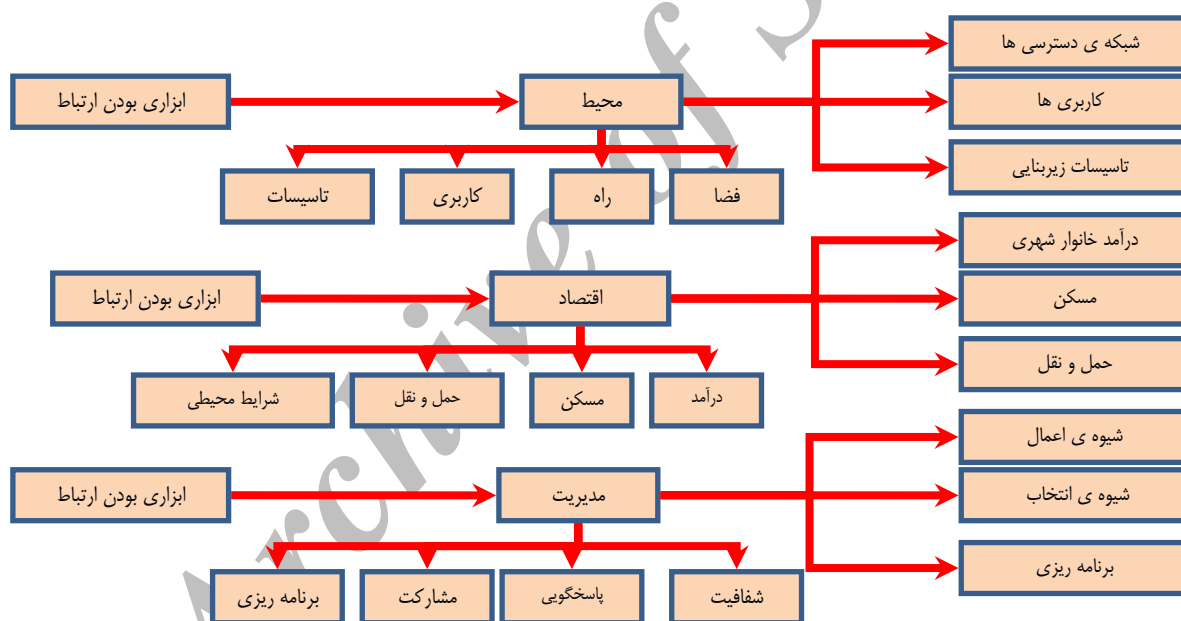
۱-۲. فقر (عدم تناسب درآمد و هزینه ی خانوار)

- ۲-۲. مسکن
 ۳-۲. حمل و نقل
 ۴-۲. دولت محلی
 ۵-۲. کیفیت محیط

۳- شاخص های مدیریتی^۸

- ۱-۳. شفافیت
 ۲-۳. پاسخ گویی
 ۳-۳. مشارکت
 ۴-۳. برنامه ریزی و قابلیت پیش بینی
 ۵-۳. کارآیی و اثر بخشی

بر اساس نمودار زیر و با لحاظ کردن این امر که شاخص هایی در هر عرصه گزین می شوند که امکان استفاده ی ابزاری از آن ها با ویژگی های به کار بردن همگانی وجود داشته باشد، می توان شاخص های مقاله را چنین معرفی کرد:



نمودار ۴. معرفی شاخص های تعریف ماهیت شهر

مأخذ: نگارنده

معرفی معیارهای تعریف

برای معرفی معیارهای مناسب با شاخص های طرح شده، این بار علاوه بر توجه به ابزاری بودن ارتباط باید صافی دیگری

را نیز مد نظر قرار داد که به قرار زیر است:

از آن جا که انسان در جهت رفع نیازهای خود به ارتباط ابزاری با شاخص ها اقدام می کند، در هر بخش صرفاً معیارهای انسان مدارانه مورد نظر قرار می گیرد. و از میان نظریه های نظرواران مختلف به معرفی معیارهایی اقدام می گردد که ذیل سرفصل

معیارهای انسان مدار طبقه بندی می گردند که بر اساس نمودارهای زیر و با توجه به هدفی که همگان از برقراری ارتباط با شاخص های معرفی شده دنبال می کنند به شرح زیر استخراج می گردد:

الف . معرفی معیارهای انسان مدارانه ی هر یک از شاخص ها

۱- معیارهای انسان مدارانه ی محیطی

- ۱-۱. رعایت مقیاس انسانی (تیبالدز، ۱۳۸۵، ص ۱۲)
- ۲-۱. آزادی در حرکت پیاده (همان)
- ۳-۱. شفاف سازی (همان)
- ۴-۱. تامین تمامی نیازهای کالبدی انسان (براندفرای، ۱۳۸۳، ص ۸۱)
- ۵-۱. محدودیت توسعه ی شهر (همان، ص ۸۳)
- ۶-۱. تراکم جمعیت نسبتا بالا (همان و قبادیان، ۱۳۸۴، ص ۳۰)
- ۷-۱. اختلاط کاربری ها (همان و تیبالدز، ۱۳۸۵، ص ۱۳)
- ۸-۱. سلسله مراتبی از خدمات و تسهیلات (همان)
- ۹-۱. تامین فضای باز و سبز (همان و لینچ، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳)
- ۱۰-۱. برقراری یک رابطه ی اندامین بین شهر و روستا (همان و یاراحمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۲)
- ۱۱-۱. ایجاد حس مرکزیت (همان و پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۴۲)
- ۱۲-۱. توجه به فرم مناسب (لینچ، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶)
- ۱۳-۱. پایه گذاری محیط بر مبنای واحدهای کوچک کالبدی (براندفرای، ۱۳۸۳، ص ۸۲)

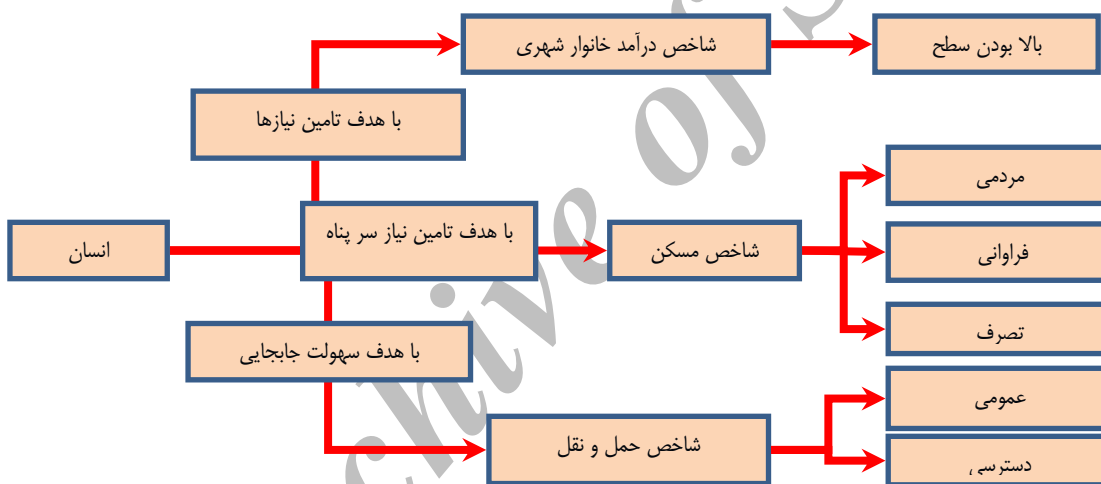
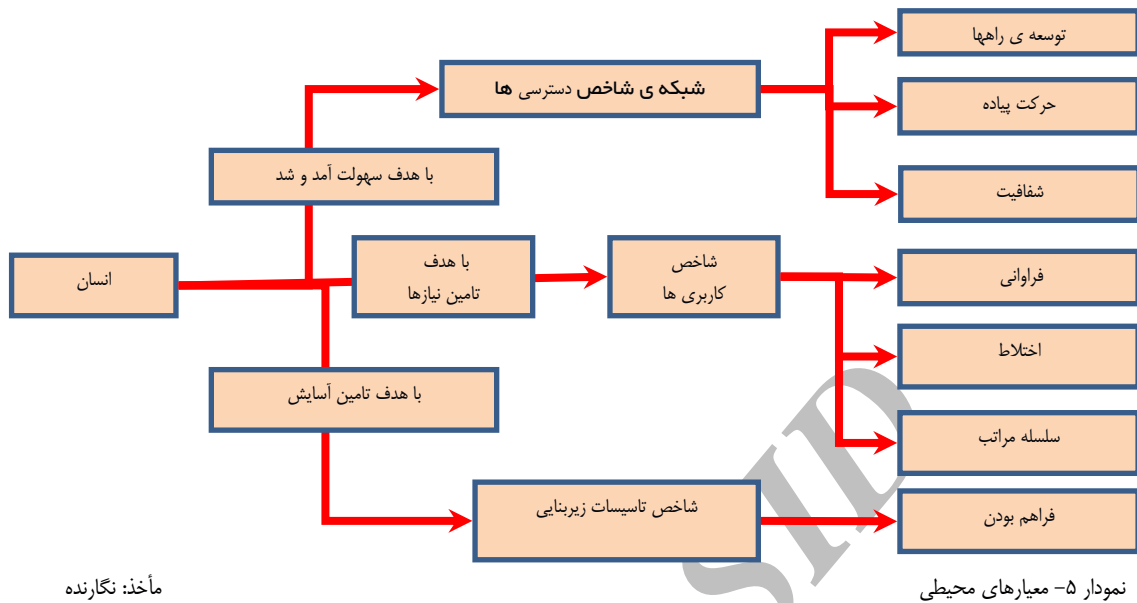
۲- معیارهای انسان مدارانه ی اقتصادی

- ۱-۲. قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی - اقتصادی (تیبالدز، ۱۳۸۵، ص ۱۳)
- ۲-۲. توزیع عادلانه ی ثروت (میلر، همیلتون، ۱۳۷۵، ص ۴۷)
- ۳-۲. هیچ تخصیص مجدد نهاده ها یا محصول نتواند با لطمه زدن به رفاه یک عده، رفاه عده ای دیگر را افزون کند
- ۴-۲. اختلاط اجتماعی به منظور حذف طبقه بندی های اجتماعی از طریق بالا بردن تراکم جمعیت و طیف گسترده ای از گونه های مسکن و تصرف (براندفرای، ۱۳۸۳، ص ۸۵)
- ۵-۲. خودکفایی نسبی از نظر اشتغال، تامین انرژی و نیازهای پایه (همان ص ۸۵)

۳- معیارهای انسان مدارانه ی مدیریتی

- ۱-۳. تسهیم در امور (سهیم بودن در مدیریت اموری که به من مربوط می شود) (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۷۴)
- ۲-۳. نظارت محلی و تسلط گروه های اجتماعی کوچک (همان، مجله ی شهرداری ها، شماره ۲۳، ص ۵۲)
- ۳-۳. استقلال نسبی برای شکل دهی محیط توسط خود افراد جامعه بر اساس خواسته ها و نیازها (براندفرای، ۱۳۸۳، ص ۸۶)
- ۴-۳. بهره مندی از میزان بالای حضور نیروی متخصص (شهرداری ها، شماره ی ۲۳، ص ۵۲)
- ۵-۳. برقراری رابطه ی شفاف و پاسخ گو با مردم و استفاده از تفکر نرم افزاری در این زمینه (همان)

نمودارهای ۵ تا ۷ با توجه به هدف انسان از برقراری ارتباط ابزاری با شاخص‌های هر عرصه در شهر، چگونگی دستیابی به معیارهای تعریف را نشان می‌دهد.



نتیجه‌گیری

۱- با استفاده از شیوه‌ی فاصله‌گذاری که توسط مارتین هیدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) به عنوان تقریر نخست وی از مبحث وجود

ارایه می‌گردد، می‌توان « ماهیت شهر » را با آگاهی هستی‌شناسیک از مفهوم وجود چنین تعریف کرد:

« ماهیت شهر حاصل برقراری رابطه‌ی ابزاری انسان با شهر است. در این ارتباط چنان‌چه انسان، شهر را کارآمد و مفید تشخیص دهد آن را به خویش نزدیک‌انمایی می‌کند. به عبارت دیگر، به آن تعلق خاطر می‌یابد و چنان‌چه آن را نا کارآمد و مضر بیابد از آن دوری می‌جوید. که در هر دو حال، شهر صاحب جا و مکان در هستی می‌گردد و در نتیجه وجود می‌یابد. »

شاخص‌های این تعریف با توجه به روند بررسی عرصه‌های شکل‌دهنده‌ی شهر و اعمال ویژگی‌های رابطه‌ی ابزاری عبارتند از:

۱-۲. شاخص‌های محیطی: شبکه‌ی دسترسی‌ها، کاربری‌ها، تاسیسات زیربنایی

۲-۲. شاخص‌های اقتصادی: درآمد خانوار در تناسب با هزینه، مسکن، حمل و نقل

۳-۲. شاخص‌های مدیریتی: شیوه‌ی اعمال، شیوه‌ی انتخاب، برنامه‌ریزی

۲- معیارهای ماهیت شهر با توجه به گزین شدن از میان معیارهای انسان‌مدارانه و هدف انسان از برقراری ارتباط ابزاری با شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱-۳. معیارهای محیطی

۱-۱-۳. شاخص شبکه‌ی دسترسی‌ها با هدف سهولت آمد و شد (توسعه‌ی راه‌ها، حرکت پیاده، شفافیت)

۲-۱-۳. شاخص کاربری‌ها با هدف تامین نیازها (فراوانی، اختلاط، سلسله مراتب)

۳-۱-۳. شاخص تاسیسات زیربنایی با هدف تامین آسایش (فراهم بودن)

۲-۳. معیارهای اقتصادی

۱-۲-۳. شاخص درآمد خانوار شهری با هدف تامین حداقل نیازها (بالا بودن سطح و تناسب با هزینه‌ها)

۲-۲-۳. شاخص مسکن با هدف برآوردن نیاز به سرپناه (ساخت مردمی، فراوانی، میزان و هزینه‌ی تصرف)

۳-۲-۳. شاخص حمل و نقل با هدف سهولت جا به جایی (حمل و نقل عمومی، ایستگاه‌های در دسترس)

۳-۳. معیارهای مدیریتی

۱-۳-۳. شاخص شیوه‌ی انتخاب با هدف انتخاب فرد یا گروه دل‌خواه (بالا بودن میزان مشارکت مردم)

۲-۳-۳. شاخص شیوه‌ی اعمال مدیریت با هدف تامین خواسته‌های عمومی (وجود رابطه‌ی مردمی و نه

ارباب و رعیتی، تسلط و نظارت گروه‌های کوچک)

۳-۳-۳. شاخص برنامه‌ریزی با هدف رسیدن به خواسته‌های مطلوب مردم (میزان تحقق برنامه)

پی نوشتها

- ۱- پسوند « ایک » از جمله پسوندهای زبان پارسی اصیل است که در زمان برخورد یای نسبت به انتهای واژه‌های که به حرف «ی» ختم می‌شد، استفاده می‌گردید. به عنوان مثال می‌تواند که به شهرسازی منسوب است از آن جا که نمی‌تواند به روانی شهرسازی ای تلفظ شود، در گذشته می‌توانسته به صورت شهرسازیک نوشته و خوانده شود و یا به شیوه ای مانوس تر می‌تواند در این شرایط به شهرشناختی تبدیل شود. برای آگاهی بیش تر مراجعه شود به:
- دکتر شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۶۹، «**موسیقی شعر**»، نشر آگاه، تهران
- ۲- دزاین اصطلاحی است که هیدگر برای انسان بدون جدایی روان و تن به کار می‌برد، در حالی که از دارایی توامان آن‌ها برخوردار است و لاجرم آن جاست. یعنی مکان‌مند است پس صاحب هستی است. برای آگاهی کامل تر نگاه کنید به:
- دکتر خاتمی، محمود، ۱۳۷۹، «**جهان در اندیشه‌ی هیدگر**»، موسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، تهران
- ۳- نگاه کنید به: دکتر شیعه، اسماعیل، ۱۳۸۶، «**دانشگاه علم و صنعت ایران**»، چاپ نوزدهم، تهران، صفحه ۵
- ۴- نگاه کنید به: کالن، گوردن، ۱۳۸۲، دکتر منوچهر طبیبیان، «**گزیده ی منظر شهری**»، دانشگاه تهران
- ۵- نگاه کنید به: دکتر فلامکی، محمد منصور، ۱۳۷۱، «**شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب**»، نشر فضا، تهران
- ۶- نگاه کنید به: دکتر پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۵، «**مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری در ایران**»، انتشارات شهیدی، تهران
- ۷- نگاه کنید به: میلر، ادوین، ۱۳۷۵، «**اقتصاد شهر**»، عبدالله کوثری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۸- نگاه کنید به: وست فال، ماتیو، ۱۳۸۶، «**شاخص های شهری برای مدیریت شهرها**»، همت مراد قلندری و سایرین، سازمان فن آوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

فهرست مراجع

- ۱- براند فرای، هیلدر، (۱۳۸۳)، «**طراحی شهری**»، دکتر سید حسین بحرینی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران
- ۲- بهشتی، محمد، (۱۳۷۲)، «**فرهنگ صبا**»، چاپ حیدری، تهران
- ۳- بیات، عبدالرسول، (۱۳۸۱)، «**فرهنگ واژه ها**»، موسسه ی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران
- ۴- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵)، «**مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری**»، انتشارات شهیدی، تهران
- ۵- پروتی، جیمز، ل.، (۱۳۷۳)، «**اولویت و هایدگر**»، محمدرضا جوزی، نشر حکمت، تهران
- ۶- تیبالدز، فرانسیس، (۱۳۸۵)، «**شهر انسان محور**»، دکتر حسن علی لقابی، دانشگاه تهران
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۴)، «**شهرسازی تخیلات و واقعیات**»، دانشگاه تهران، چاپ دوم
- ۸- خاتمی، محمود، (۱۳۷۹)، «**جهان در اندیشه‌ی هیدگر**»، موسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، تهران
- ۹- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۰)، «**لغت نامه ی دهخدا**»، نشر اطلاعات، تهران
- ۱۰- شاخص های توسعه، گزارش شاخص های توسعه‌ی انسانی، سال ۱۹۹۴
- ۱۱- شیروانی، محمد جواد، (۱۳۸۵)، «**ترجمه و شرح بدایه الحکمه**»، انتشارات دارالفکر، تهران
- ۱۲- فلامکی، محمدمنصور، (۱۳۷۱)، «**شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب**»، نشر فضا، تهران
- ۱۳- کاکلمانس، جوزف. جی، (۱۳۸۰)، «**مارتین هیدگر**»، دکتر موسی دبیاچ، نشر حکمت، تهران
- ۱۴- کالن، گوردن، (۱۳۸۲)، «**گزیده‌ی منظر شهری**»، دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۵- گروهی از پژوهشگران، ۱۳۸۲، «**فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی**»، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران
- ۱۶- لینچ کوین، (۱۳۸۱)، «**تئوری شکل شهر**»، دکتر سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران
- ۱۷- میلر، ادوین، همیلتون، بروس، (۱۳۷۵)، «**اقتصاد شهر**»، عبدالله کوثری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۱۸- وست فال، ماتیو، دوبلا، ویکتوریا، (۱۳۸۶)، «**شاخص های شهری برای مدیریت شهرها**»، همت مراد قلندری، امیر قادری، امیر حسین ممتازی، سازمان فن آوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
- ۱۹- یاراحمدی، امیر، (۱۳۷۸)، «**به سوی شهرسازی انسان گرا**»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران

- 20- Austin, smith, lord Partnership ,(1969), “**Warnington New to own W.N. T.D.C.**”, England
- 21- Krell, D.F.,(1996), “**Bsic writings**”, London
- 22- Kant, I, (1995), “**Critique of pure reason**”, N.K. Smith, London
- 23- Lynch, Kevin , (1991), “**city sense and city design**”, The MIT Press, 2nd print
- 24- Niles, Malcolm, (2003), “**The City cultures reader**”, Routledge
- 25- Parker, simon, (2004), “**urban theory and the urban experience**”, routledge
- 26- Stambaugh , (1972), “**on time and being**”, New york